





# جهل به قانون از دیدگاه فقه

مؤلف

دکتر حسن حیدری

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز

انتشارات قانون یار

۱۳۹۸

سرشناسه	: حیدری، حسن، ۱۳۴۲-
عنوان و نام پدیدآور	: جهل به قانون از دیدگاه فقه/ مولف حسن حیدری.
مشخصات نشر	: تهران: قانون یار، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۲۸۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۲۲۹-۰۸۱-۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: جهل (فقه)
موضوع	: Ignorance (Islamic law)
موضوع	: مسوولیت جزایی (فقه)
موضوع	: Criminal liability (Islamic law)
موضوع	: جهل (حقوق) -- ایران
موضوع	: Ignorance (law) -- Iran
موضوع	: حقوق تطبیقی
موضوع	: Comparative law
رده بندی کنگره	: ۶/۱۹۸BP
رده بندی دیویی	: ۳۷۹/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۸۵۱۲۱۰

## انتشارات قانونی یار

### جهل به قانون از دیدگاه فقه

تألیف: دکتر حسن حیدری

ناشر: قانون یار

ناظر فنی: محسن فاضلی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

قیمت: ۶۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۲۹-۰۸۱-۸

مرکز پخش: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید، پلاک ۹۲

تلفن: ۶۶۹۷۹۵۱۹ - ۶۶۹۷۹۵۲۶ مرکز پخش قانون یار

تقدیم به دانشجویان و وکلا

وفاسخ التحصیلان رشته های فقه و حقوق



## فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱۳
<b>فصل اول.....</b>	<b>۱۹</b>
کلیات.....	۱۹
گفتار اول - معنا و مفهوم جهل.....	۱۹
گفتار دوم - مفهوم و معنای خطا و اشتباه.....	۲۰
گفتار سوم - مفهوم علم و ظن.....	۲۲
<b>فصل دوم.....</b>	<b>۲۷</b>
تحلیل حقوقی جهل در قانون.....	۲۷
گفتار اول - تاریخچه جهل و اشتباه در حقوق روم.....	۲۷
گفتار دوم - تاریخچه حقوقی جهل و اشتباه در حقوق فرانسه.....	۳۰
گفتار سوم - تاریخچه جهل و اشتباه در قانون مدنی ایران.....	۳۲
گفتار چهارم - رویکرد تاریخی و علمی عقل، علم و جهل.....	۳۳
<b>فصل سوم.....</b>	<b>۳۹</b>
تحلیل حقوقی جهل و جاهل از دیدگاه قرآن.....	۳۹
روایات و احادیث.....	۳۹
گفتار اول - بررسی و شناخت واژه جهل در قرآن و روایات.....	۳۹
گفتار دوم - کاربرد و مشتقات جهل در قرآن.....	۴۲
گفتار سوم - نشانه ها و عوامل مربوط به جهل.....	۴۷
گفتار چهارم - ویژگی ها و خصایص جاهلان از دیدگاه عامه.....	۵۲



گفتار پنجم - راه های عملی جهل زدایی و پیامدهای خاص آن ..... ۶۰

گفتار ششم - راه های عملی جهل زدایی ..... ۶۶

## فصل چهارم ..... ۷۱

بررسی حقوقی ماهیت و مبانی جهل و اشتباه و موارد مشابه ..... ۷۱

گفتار اول - مقایسه جهل با اشتباه ..... ۷۱

گفتار دوم - اشتباه و غلط ..... ۷۳

گفتار سوم - جهل و اشتباه با شبهه ..... ۷۴

گفتار چهارم - تحلیل جهل و اشتباه با خطا ..... ۷۴

گفتار پنجم - تحلیل جهل و اشتباه با سهو و خطا ..... ۷۵

گفتار ششم - تحلیل ماهیتی جهل با غفلت ..... ۷۶

گفتار هفتم - جهل و نسیان ..... ۷۶

## فصل پنجم ..... ۷۹

تقسیمات فقهی جهل از دیدگاه فقهای امامیه ..... ۷۹

گفتار اول - تقسیمات جهل به لحاظ ماهیتی ..... ۷۹

گفتار دوم - جهل به لحاظ موقعیت مکلف ..... ۸۰

گفتار سوم - جهل با توجه به متعلق آن ..... ۸۱

گفتار چهارم - انواع جهل در فقه اهل سنت ..... ۸۲

گفتار پنجم: تحلیل مولف در جمع بندی کلی فصول پیشین ..... ۸۴

## فصل ششم ..... ۸۷

بررسی مبانی فقهی اثر جهل و اشتباه در احکام خاص ..... ۸۷

گفتار اول - شناخت ماهیت و معنای عذر ..... ۸۷

گفتار دوم - تحلیل رابطه فقهی بین احکام تکلیفی و وضعی ..... ۹۱

گفتار سوم - شرایط علم در مورد قوانین و احکام خاص ..... ۹۵



گفتار چهارم - تفاوت شرط علم در احکام تکلیفی و وضعی ..... ۹۶

## فصل هفتم ..... ۹۷

بررسی مستندات و دلایل معذوریت جاهل در روایات فقهی ..... ۹۷

گفتار اول - نگاهی فقهی به حدیث رفع از ادله برائت ..... ۹۷

گفتار دوم: تحلیل فقهی حدیث رفع و مراد از رفع ..... ۱۰۱

گفتار سوم - احکام وضعی در استناد به حدیث رفع ..... ۱۰۷

گفتار چهارم - بررسی روایات خاص مرتبط با موضوع ..... ۱۱۹

گفتار پنجم - روایات وارده در حرمت ربا ..... ۱۲۱

## فصل هشتم ..... ۱۲۳

بررسی فقهی عدم معذوریت جاهل از دیدگاه علم اصول ..... ۱۲۳

گفتار اول - نگاهی فقهی به قاعده اشتراک احکام میان عالم و جاهل ..... ۱۲۳

گفتار دوم - جایگاه فقهی قاعده وجوب تعلم احکام ..... ۱۲۶

گفتار سوم - فرض عدم معذوریت جاهل ..... ۱۲۷

گفتار چهارم - تحلیل مولف در این رابطه ..... ۱۲۸

## فصل نهم ..... ۱۳۵

بررسی و واکاوی مصادیق جهل در احکام فقهی و موارد معذوریت خاص ..... ۱۳۵

گفتار اول - تحلیل موارد معذوریت جاهل ..... ۱۳۵

گفتار دوم - نگاهی فقهی به جهل در عبادات ..... ۱۳۷

گفتار سوم - جهل به فوریت اعمال خیار ..... ۱۴۳

گفتار چهارم - جهل شفیع در اعمال حق شفعه ..... ۱۴۶

گفتار پنجم - جهل به انجام معامله ربوی و حرمت ربا ..... ۱۴۸

گفتار ششم - جهل به حرمت ازدواج در عده ..... ۱۴۹

گفتار هفتم - جهل در عمل به وصیت ..... ۱۵۳



- گفتار هشتم - جهل در طلاق ..... ۱۵۳
- گفتار نهم - جهل در ابراء ..... ۱۵۴
- گفتار دهم - تحلیل مولف از مطالب مطروحه ..... ۱۵۶

## فصل دهم ..... ۱۶۲

- بررسی مبانی فقهی و حقوقی و آثار جهل و اشتباه در قوانین ..... ۱۶۲
- گفتار اول: بررسی و شناخت قاعده جهل به قانون رافع مسئولیت نیست ..... ۱۶۲
- گفتار دوم - نظرات حقوق دانان و فقیهان در مورد قاعده ..... ۱۶۳
- گفتار سوم - بررسی و شناخت اهداف این قاعده ..... ۱۶۵
- گفتار چهارم - محل جریان قاعده ..... ۱۶۶

## فصل یازدهم ..... ۱۶۸

- نقدی بر قاعده " جهل به قانون رافع مسئولیت نیست " ..... ۱۶۸
- گفتار اول - تحلیل فقهی و حقوقی اطلاق واژه جهل و قانون ..... ۱۶۸
- گفتار دوم - مسئولیت حقوقی جاهل در قانون ..... ۱۷۰
- گفتار سوم - نقدی بر تمسک به قاعده اشتراک احکام میان عالم و جاهل ..... ۱۷۵
- گفتار چهارم - نقد نظر وجوب تعلم قوانین ..... ۱۷۷
- گفتار پنجم - مهلت ۱۵ روزه انتشار قوانین و فرض علم و اطلاع بر قوانین ..... ۱۷۹
- گفتار ششم - تحلیل ایرادات فقهی در این راستا ..... ۱۸۱
- گفتار هفتم - ابعاد حقوقی رفع مسئولیت از جاهل ..... ۱۸۴

## فصل دوازدهم ..... ۱۹۲

- بررسی جهل در اعمال حقوقی در قانون مدنی ..... ۱۹۲
- گفتار اول - بررسی حقوقی واژگان بطلان، غیر نافذ، خیار فسخ ..... ۱۹۲
- گفتار دوم - حدود جهل موجب بطلان عقد ..... ۱۹۳
- گفتار سوم - حدود جهل موجب غیر نافذ شدن عقد ..... ۲۰۵



- گفتار چهارم - حدود جهل موجب ایجاد خیار فسخ ..... ۲۰۶
- گفتار پنجم - حدود جهل بی تاثیر در سرنوشت عقد ..... ۲۱۳
- گفتار ششم: اشتباه در داعی یا انگیزه های شخصی و اشتباه در اوصاف غیراساسی ..... ۲۱۴

## فصل سیزدهم ..... ۲۱۸

- تأثیر جهل بر مسئولیت کیفری در فقه با تکیه بر قاعده « درء » ..... ۲۱۸
- گفتار اول - مفهوم قاعده « درء » ..... ۲۱۸
- گفتار دوم - حقیقت قاعده درأ با تعبیری از اصل و اصول دیگر ..... ۲۲۳
- گفتار سوم - بررسی مستندات قاعده ..... ۲۲۵
- گفتار چهارم: نقد برخی از مستندات قائلین به تنصیصی بودن قاعده درأ ..... ۲۳۰
- گفتار پنجم: قائلین به اصطیادی بودن قاعده درأ ..... ۲۳۱
- گفتار ششم - قلمرو قاعده « درء » ..... ۲۳۳
- گفتار هفتم: عدم جریان قاعده « درء » در یکی از موارد مجازات تعزیر ..... ۲۳۶
- گفتار هشتم - آثار کیفری جهل در جرایم عمدی و غیر عمدی در قوانین کیفری ..... ۲۳۹
- جرایم عمدی ..... ۲۳۹
- گفتار نهم - بررسی مهم ترین مواد مربوط به جهل و شبهه در قانون مجازات اسلامی .... ۲۴۳

## فصل چهاردهم ..... ۲۵۰

- واکاوی و تحلیل تعارضات قاعده حقوقی با قواعد مهم فقهی ..... ۲۵۰
- گفتار اول - مقایسه قاعده « درء » با « جهل به قانون رافع مسئولیت نیست » و « قاعده قبح عقاب بلا بیان » ..... ۲۵۰
- گفتار دوم: تطبیق قاعده درء با دو قاعده دیگر در قوانین مدنی ..... ۲۵۳
- گفتار سوم - مقایسه قبح عقاب بلا بیان و قاعده عدم رافعییت ..... ۲۵۵
- گفتار چهارم: تعارض در مسئولیت کیفری و حل مسأله ..... ۲۵۷
- گفتار پنجم: تحلیل مولف از فصول پیشین و جمع بندی کلی مطالب ..... ۲۵۹

## منابع و مأخذ ..... ۲۶۶



۲۶۶ ..... منابع عربی

۲۷۴ ..... منابع فارسی

## پیشگفتار

منظور از واژه جهل بررسی آثار و احکام ناآگاهی از یک موضوع یا حکم آن در اصول فقه، فقه و حقوق می باشد. در متون فقهی و حقوقی، واژه جهل عمدتاً در معنای لغوی به کار رفته، ولی دامنه کاربرد آن به مواردی که در آن نسبت به موضوعی شک یا وهم وجود دارد، یعنی شبهات حکمی و موضوعی، نیز تسری یافته است، زیرا در واقع در این موارد نیز نوعی جهل و ناآگاهی وجود دارد. در منابع فقهی و حقوقی، جهل از نظر منشأ تحقق آن به جهل قصوری و تقصیری تقسیم شده است. تقسیم‌بندی مهم دیگر جهل، باتوجه به چیزی که جهل به آن تعلق می‌گیرد، جهل به حکم و جهل به موضوع است. جهل به حکم (یا جهل به قانون) به این معناست که شخص از حکم یا قانون آگاهی نداشته باشد. مثلاً نداند که در اسلام نوشیدن خمر حرام است و آن را مرتکب شود. جهل به موضوع آن است که مکلف، از اصل حکم شرعی یا قانونی آگاه باشد، اما به موضوع آن ناآگاه باشد. مثلاً، بداند که نوشیدن خمر حرام است، ولی نداند که مایعی که قصد نوشیدنش را دارد شراب است یا آب جهل در ادیان و مذاهب مختلف مذموم است که در این رابطه در این اثر علمی به بررسی عمقی و دقیق این مباحث مختلف پرداخته می‌شود. در اسلام از آن به عنوان بدترین فقر نام برده شده است و حتی در کتب مقدس و متون مسیحی آمده است شما مردم به خاطر جهل نابود شده‌اید. جهل نتیجه غرور، منشأ گناه و ریشه هر شری است که زندگی فرد و ملت را مسموم می‌کند. بنابراین می‌توان گفت: جهل و نادانی یکی از مؤلفه‌هایی است که مانع رشد و تکامل انسان می‌شود و به همین دلیل اسلام نسبت به جهل و نادانی هشدارهای زیادی داده است، از جمله این که قرآن در آیه ۱۹۹ سوره اعراف دستور داده است که از نادان دوری کنید، در نتیجه جهل و نادانی منشأ بسیاری از گرفتاری‌های انسان است. در دنیای امروز هم، جهل به عنوان یکی از عوامل یا علل



پیدایش جرم اهمیت ویژه ای پیدا می نماید که ضرورتاً باید این نقش خاص مورد توجه مخصوص واقع بشود، پس چگونه می توان در مورد جهل، یعنی وقتی که مجرم مفهوم حقیقی عملی را که انجام داده درک ننموده یا اصلاً تصویری از ممنوعیت و نامشروعیت عمل ندارد بی تفاوت باقی ماند. بنابراین اگرچه ظهور ابعاد و گستره های نوین حقوق در راستای تحول و ترقی قواعد ان گام مثبتی تلقی می شوند لکن آثار وضعی آن هم چون دشواری کشف حقایق و کثرت شبهه و اقسام جهل را نیز به ارمغان می آورد. به همین دلیل یکی از مباحث مطورحه در حقوق به ویژه در حقوق کیفری مبحث جهل است، موضوعی که با وجود یک سری از شرایط با توجه به ماده ۱۵۵ ق. م. ا می تواند یکی از عوامل رافع مسئولیت کیفری باشد. به طوری که در عالم حقوق، به ویژه در حقوق کیفری عقیده بر آن است که صرف ارتکاب عمل مجرمانه موجب محکومیت و اعمال مجازات نشده و علیهذا ممکن است به علت حدود عوامل و شرایط، عمل مجرمانه به مرتکب جرم غیر قابل انتساب باشد، به عبارت دیگر تحمیل مجازات فرع بر وجود شرایطی است که با فقدان هر یک از آن شرایط فاعل مستحق عقوبت نخواهد بود؛ از جمله شرایط مذکور عدم وجود عوامل رافع مسئولیت می باشد، زیرا با احراز یکی از عوامل مذکور، مجوز مواخذه و مجازات منتفی خواهد شد. قلمرو پذیرش جهل به عنوان عذر در احکام جزایی از دیگر ابواب فقه، گسترده تر است. در فقه جزایی اسلام ترتب مسئولیت کیفری مشروط بر علم مرتکب جرم به حکم و موضوع است و جهل به آن به موجب قاعده «دَرْءُ الْحُدُودِ» از عوامل رافع مسئولیت کیفری یا مانع کیفر شمرده می شود. مطابق مفاد این قاعده، هر شبهه ای (از جمله جهل به حکم یا موضوع) از اجرای حدود جلوگیری می کند و مدعی جهل، در صورت اثبات ادعای خود، از محکومیت جزایی معاف می شود. فقهای امامی در اینکه جهل مکلف به موضوع، در صورت احراز، در جرائم مستوجب



حد، ساقط کننده حد است اتفاق نظر دارند. برای مثال، به نظر فق‌ها حد شرب خمر بر شخصی که به تصور آب بودن مایعی آن را نوشیده و سپس متوجه خمر بودن آن شده است، جاری نمی‌شود. برخی فق‌ها شمول قاعده «درء» بر جاهل به حکم را در جهل قصوری به‌طور مطلق و در جهل تقصیری تنها در صورتی پذیرفته‌اند که فرد، متوجه جهل خود نبوده باشد. «قانون مجازات اسلامی» ایران در بعضی جرائم مستوجب حد، مانند سرقت و شرب خمر، جهل به حکم و موضوع را - بدون هیچ‌گونه قیدی - به عنوان عامل رفع مسئولیت کیفری، پذیرفته است. در فقه اهل سنت نیز درباره عذرآور بودن جهل به حکم و موضوع در جرائم مستوجب حد، بحث و در پاره‌ای موارد پذیرفته شده است. گفتنی است برخی حقوق‌دانان در کتابهای حقوق جزا دو اصطلاح جهل و اشتباه را در مفهومی نزدیک به یکدیگر به کار برده، ضمن بحث از عوامل رافع مسئولیت جزایی به بررسی «اشتباه حکمی» (جهل به قانون یا تفسیر آن) و «اشتباه موضوعی» (جهل به موضوع) پرداخته‌اند. بنابراین همان‌طور که گفته شد یکی از مهم‌ترین مباحث در قوانین عنوان جهل و آثار آن بر روابط افراد جامعه می‌باشد. چرا که انسان با توجه به طبعی که دارد باید در اجتماع و در روابط با افراد زندگی کند، ولی متأسفانه در اثنای این رابطه، آگاه و غیر آگاه ممکن است ضرری را متوجه دیگران بسازد و یا دیگران را متوجه خساراتی گرداند بنابراین برای جبران این آسیب‌ها و خسارت‌ها و جلوگیری از تضییع حق متضرر و تجلی عدالت در سطح جامعه، به مقتضای ضرورت، بایستی نسبت به اعمالی که از روی ناآگاهی رخ می‌دهد، راهکاری اساسی جست و جو نمود به گونه‌ای که علاوه بر حفظ نظم عمومی، باعث آسیب به حقوق فرد جاهل نیز نگردد در باب ضرورت آثار جهل باید گفت؛ در مورد آثار مدنی جهل قانون از صراحت بیش تری برخوردار بود، برخلاف قوانین کیفری که کمتر از آن سخن گفته شده است. برخی علمای حقوق بر این باورند: «از بعد



حقوقی، وجوب تعلم قوانین، از اصول مسلم حقوقی است و بر همه مکلفان واجب است که قوانین مدون مصوب مجلس شورای اسلامی را پس از ابلاغ دولت و لازم الاجرا شدنش با اعلان در روزنامه رسمی یاد بگیرند و طبق آن عمل کنند. نتیجه مطلب آن است که چنانچه قانونی تصویب شود و لازم الاجرا گردد، کسی حق ندارد بگوید که من این قانون را یاد نگرفته‌ام و نمی‌دانم. برخی دیگر تعبیر مناسب‌تری را در این باره به کار می‌برند و می‌گویند: «مصادق بارز فرض‌های حقوقی، اطلاع یافتن از قوانین است، ما همه می‌دانیم قوانینی را که در روزنامه‌ها و یا در روزنامه رسمی منتشر می‌شود، همه مردم نمی‌خوانند و اگر اجرای قانون در مقابل هر کسی منوط به اطلاع او باشد، هیچ قانونی اجرا نمی‌شود، چون فرض شده اگر قانون در روزنامه رسمی منتشر شود و پانزده روز از مدت آن بگذرد، همه آگاه به قانون فرض می‌شوند.» امروزه که جهان طبیعت مسخر آدمی است و نقطه تمایز و برتری انسان از دیگر موجودات، عقل و علم است و زبونی و سستی و ندانم کاری هم زائیده ناتوانی و جهل است و همین جهل آثار و پیامدهای سوئی در دنیا و آخرت دارد پس چگونه می‌توان فرق خیر و شر را داد و تمیز بین نیک و بد را به جا آورد. بنا بر بیان شیخ کلینی در کتاب ارزشمند اصول کافی در خصوص جهل می‌فرماید: پس خداوند جهل را از دریای ظلمات و سیاهی فرا آورد و به او دستور داد، دور شو، پس دور شد، پیش بیا، نیامد به او گفت « خودپرستی و خودخواهی کردی نفرین بر تو باد. پس می‌توان این طور بیان کرد که جهل به عنوان عامل اساسی در عقب ماندگی های بشر از آغاز بوده و در هر عصر و دوره ای تکرار می‌گردد و انسان هم همواره در تلاش و تکاپو برای رفع جهل خویش بوده است و حتی خداوند هم در این مسیر انسان‌ها را کمک و یاری نموده است و پیامبرانی را به منظور تکامل و توسعه علوم و هدایت انسان‌ها از ظلمات جهل به سوی علم و معرفت برگزیده است. در دنیای امروز هم جهل به



احکام و قوانین از مسائل بسیار مهم فقهی و حقوقی شریعت اسلام است زیرا از یک طرف گسترش علوم و مهم تر از آن گسترش فعالیت های اقتصادی باعث نوزایی جرایم و در طرف مقابل متنوع شدن قوانین و مقررات شده است. قدر متقین این است که نمی توان بر تمامی این قوانین اشراف کامل داشت و حتی بعضاً قشر دانشجو و تحصیل کرده هم برای فهم لسان اصطلاحات حقوقی دچار مشکل هستند و شاید برداشت های نادرستی نیز داشته باشند بنابراین با این توصیفات می توان جهل را با وجود یک سری از شرایط نوعی دفاع و عامل رافع مسئولیت تلقی نمود. و از طرفی پایه ریزی حقوق موضوعه ایران بر اساس مبانی فقه امامیه که به عنوان گنجینه نفیس مکمل آن محسوب می گردد از یک سو و طرح بی شمار پدیده جهل در آراء متعدد محاکم کیفری به گونه ای که کمتر پرونده ای را می توان یافت که در آن اثری از این پدیده نباشد از سوی دیگر، مطالعه این امر را که خود دارای منشأهای متعدد است به طوری که گاه موجب عدم مسئولیت می گردد و گاهی فاقد چنین اثری هست از اهمیت ویژه ای برخوردار خواهد ساخت و لذا پرداختن به موضوع جهل در واقع راهی است برای تشخیص حق از باطل در مسیر زندگی روزمره و در حوزه های تخصصی، به ویژه در حوزه فقهی و حقوقی، مبنی به این که در این حوزه ها به چه میزان این واژه می تواند تأثیر گذار باشد. امروزه تعیین تأثیر «جهل به حکم»، از مسائل مهم و اساسی در روابط فردی و اجتماعی، ملی و حتی بین المللی است و هرچند به نظر می رسد عدم تأثیر جهل به قانون امری مسلم و قطعی نباشد، ولی باید پذیرفت که اگر قانونگذار به صرف ادعای افراد، نسبت به جهل اطلاع از قانونی معین، این ادعا را از سوی آنان بپذیرد، تشویش و آشفتگی نظام دادرسی قضایی و به دنبال آن جامعه را در بر می گیرد و دیگر هیچ موضوعی اثبات کردنی نیست و در نتیجه کمتر ذی حقی به حقتش رسیده و در نهایت، اجرای بیشتر احکام مراجع قضایی تعطیل می شود. واژه



«مسئولیت» در گستره نظام حقوقی با توجه به پیچیدگی‌هایی که در عصر حاضر دارد، نسبت به افراد مختلف تقسیمات گوناگونی دارد، از جمله می‌توان به مسئولیت حقوقی، اخلاقی، مدنی، کیفری (جزایی)، قراردادی، غیر قراردادی، قانونی، مالی و مسئولیت اداری و.. غیره اشاره نمود، ولی در قوانین مدون هیچ یک به اندازه «مسئولیت کیفری» تأکید نشده و شاید به این علت است که اعمال مجازات‌های کیفری رابطه مستقیمی با مسئولیت کیفری دارد و جهل به قانون در موارد مربوط به مسئولیت کیفری در بیشتر موارد چشم‌پوشی ناشدنی است چون به حقوق افراد دیگر و حقوق جامعه لطمه می‌زند، ولی جهل در سایر مسئولیت‌ها بیشتر آثار و لطمات فردی در پی داشته باشد. البته این نکته را هم نباید از ذهن دور داشت که آثار مستقیم فردی و غیرمستقیم اجتماعی برخی از این مسئولیت‌ها نسبت به مسئولیت کیفری نیز کمتر نیست و یک بررسی اجمالی در پرونده‌های حقوقی مطرح در دستگاه قضایی می‌توان دریافت که از نظر میزان تأثیرات مخرب اجتماعی تفاوتی میان انواع مختلف مسئولیت وجود ندارد. با این وصف حال که شعبه‌های علم حقوق با تنوع گسترده‌ای که در مسائل حقوقی دارد و شاید بسیاری از حقوقدانان، قضات و وکلای باسابقه را هم توان تحصیل همه امور حقوقی را نداشته باشند، چگونه می‌توان از مردم عادی کوچه و بازار، توقع داشت که همه با قوانین آشنا باشند و اگر تحصیل علم عادتاً برای آن‌ها ممکن نباشد، جهل به حکم تلقی و فاقد مسئولیت کیفری بوده و این جهل مانع از اجرای مجازات باشد؟!!

# فصل اول

## کلیات

### گفتار اول - معنا و مفهوم جهل

واژه جهل در لغت نامه فارسی در معنای لغوی عبارتند از: نادان بودن<sup>۱</sup> و ندانستن<sup>۲</sup> می باشد. همین واژه در زبان عربی به عنوان نقیص العلم به معنای تقریباً مترادف معنای فارسی آن تلقی می گردد.<sup>۳</sup> در مقابل در لاتین از این معنا با واژه *ignorare* تعبیر می گردد؛ ریشه یابی این واژه حاکی از آن است که به معنای «ندانستن» و «توجه نکردن» بوده که ترکیبی از پسوند منفی مأخوذ از ستاک «*gno*» و منشاء غایی *narrate* به معنای *know* بوده که از این لغت لاتینی، واژه *ignore* به معنای نادیده گرفتن - توجه نکردن - اعتنا نکردن گرفته شده و معادل هایی هم چون *unawareness*, *nescience*, *ignorance* در زبان انگلیسی برای آن یاد گردیده است.<sup>۴</sup> واژه جهل در اصطلاح حقوقی: وضعیت ذهنی شخص { اعم از قاضی، متهم و

<sup>۱</sup> - معین، محمد، فرهنگ معین، ص ۱۲۵۹

<sup>۲</sup> - عمید، حسن، فرهنگ عمید، ج ۱، ص ۷۱۷

<sup>۳</sup> - الجهل: نقیص العلم. تقول: جهل فلان حقه، و جهل علی، و جهل بهذا الامر. فراهیدی، الخلیل بن احمد، کتاب

العین، ج ۳، ص ۳۹۰

<sup>۴</sup> - Aryanpur, kashani, The English - persian colleyite dictionary, Jld ۲, page ۱۱۷۶



غیره ... { نسبت به موضوعات بیرونی یا عناصر مندرج در قانون است. <sup>۱</sup> واژه جهل در اصطلاح فقهی: نیز به همان معنای لغوی آمده است و به ندانستن حکم شرعی معنا شده است. <sup>۲</sup>

### گفتار دوم - مفهوم و معنای خطا و اشتباه

واژه اشتباه در لغت نامه فارسی در معنای لغوی عبارتند از مانند شدن و چیزی را به غلط عوض چیزی گرفتن تعبیر شده است. <sup>۳</sup> در زبان عربی واژه اشتباه معادل شک، شبهه، بدگمانی و التباس است در لسان العرب <sup>۴</sup> آمده است:

( الشبه و الشبهه و الشبیه : المثل و الجمع اشباه ، و أشبه الشيء الشيء ما ثله در مثال های عربی آمده است «من أشبهه أباه فما ظلم و المشتبهات من الامور : المشكلات و المتشابهات المتماثلات ... و اشتبه الامر اذا اختلط و اشتبه على الشيء» ) کلمه اشتباه در این معانی به مفهوم «شک» به کار می رود و در ابواب مختلف در متون فقهی و حقوقی کاربرد دارد. در زبان فرانسه شایع ترین واژه در مقابل اشتباه واژه « Erreur » می باشد. انگلیسی زبانان نیز معادل واژه اشتباه از واژه « mistake » بهره می جویند. <sup>۵</sup>

در خصوص مفهوم اصطلاحی اشتباه یکی از فقهای امامیه این چنین بیان کرده است:

« اشتباه عبارتند از مطابق نمودن اراده ظاهری با اراده باطنی <sup>۶</sup> »

<sup>۱</sup> - حسینی، سید محمد، سیاست جنایی { اسلام و جمهوری اسلامی ایران } ص ۱۱۴

<sup>۲</sup> - عبدالرحمن، محمود، معجم المصطلحات و الفاظ الفقیهه، ص ۵۴۴

<sup>۳</sup> - دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۲، ص ۲۶۰۰

<sup>۴</sup> - ابن منظور الافریقی مصری، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۷، ص ۵۰۳

<sup>۵</sup> - Aryanpur, kashani, The English - persion colleyite dictionary, Jld ۲, page ۱۳۸۳

<sup>۶</sup> - بجنوردی، حسن، القواعد، الفقیهه، ج ۲، ص ۱۲۸



در خصوص مفهوم اصطلاحی حقوقی اشتباه بحث فراوان است ، اگر چه قانون مدنی ایران در خصوص مفهوم اصطلاحی اشتباه تعریفی نداده است ولی در تألیفات حقوقی بعضاً از اشتباه تعریف شده است. بدین مضمون که اشتباه عبارت است از تصور خلاف حقیقت و واقعیت انسان از چیزی که در حقوق کیفری همین مفهوم دارای کاربرد علمی و عملی می باشد.<sup>۱</sup>

علاوه بر این اساتید برجسته حقوق تعاریف مختلفی از این مفهوم بیان داشته اند که به چند مورد از آن اشاره می کنیم.

( یک ) اشتباه تصور غلطی است که انسان از شیء پیدا می کند.<sup>۲</sup>

دو ) بعد از ایشان ، استاد بروجردی عبده اگر چه تعریفی از اشتباه به دست نمی دهد لیکن از بیان ایشان چنین استنباط می شود که ایشان نیز مانند برخی از اساتید کشور اشتباه را درجاتی می دانند و به تعبیری آن را مشکک پنداشتند.

« ایشان فرموده اند : اشتباه به اعتبار موارد فرق می کند در بعضی موارد ممکن است به اندازه ای باشد که رضا را معلول می نماید و در بعضی موارد به حدی است که نه موجب فقدان رضا و نه آن را معلول می سازد.<sup>۳</sup> » و نظرات فراوان دیگری که مجال برای ارائه بیش تر نیست. ولی در آخر می توان گفت : آنچه از اشتباه به مفهوم حقوقی استنباط می شود این است که اشتباه عبارت است از این که شخص در انتخاب قانون صحیح مرتکب خطا بشود که البته این اشتباه ممکن است در موضوع جرم نیز حادث شود.<sup>۴</sup> غیر از معانی مذکور ، از واژه اشتباه در

<sup>۱</sup> - Amistake is the untrue conception of human being of something.

گارو ، فالو ، مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا ، ج ۱ ، ص ۵۲۸

<sup>۲</sup> - عدل ، مصطفی ، حقوق مدنی ، ص ۱۸۸

<sup>۳</sup> - بروجردی عبده ، محمد ، حقوق مدنی ، ص ۹۸

<sup>۴</sup> - جعفری لنگرودی ، محمد جعفر ، ترمینولوژی حقوقی ، ص ۴۵



مفهوم عرفی نیز استفاده شده است. در مفهوم عرفی زمانی که شخص ادعای اشتباه می نماید منظور وی اشتباه به معنای حقوقی که مرادف جهل می باشد نیست ، بلکه در این فرض مدعی می خواهد اظهار پشیمانی و ندامت نماید ، فرضاً متهم ممکن است در محکمه اقرار به ارتکاب جرم نموده و تصریح هم نماید که از روی اراده و آگاهی مرتکب جرم شده است اما در حین حال نزد قاضی می گوید اشتباه کردم ، طبیعی است منظور او اشتباه نسبت به موضوع یا قانون نبوده بلکه می خواهد با استفاده از لفظ اشتباه پشیمانی خود را از ارتکاب فعل مجرمانه ابراز نماید. در این رابطه می توان به ماده ۷۲ ق. م. ا. مصوب ۱۳۷۰ ، کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی اشاره نمود. ماده مذکور مقرر می دارد :

هرگاه کسی به زنائی که موجب حد است اقرار کند و بعد توبه نماید ، قاضی می تواند تقاضای عفو او را از ولی امر بنماید و یا حد را بر او جاری نماید. غالباً در محاکم متهمین موضوع ماده فوق بیش از استعمال لفظ توبه از واژه اشتباه مقصود خود را که همان ندامت باشد بیان می کنند اگر چه قاضی دادگاه در مقام تقاضای چنین متهمی وی را وادار می کند که صراحتاً از لفظ توبه استفاده نماید. بنابراین ملاحظه می شود که واژه اشتباه در بعضی موارد در مفهوم غیر حقوقی نیز به کار می رود ، طبیعی است که چنین مفهومی مقصود نیست و مراد از اشتباه ، اشتباه در مفهوم حقوقی است.

### گفتار سوم - مفهوم علم و ظن

علم به معنی دانستن و دانش است که حجیت آن یقینی و ذاتی است و مجعول شارع نمی باشد. برای قطع ، تقسیماتی شده است از قبیل تقسیم آن به علم تفصیلی و علم اجمالی.



الف) علم تفصیلی: علمی را گویند که هیچ ابهام و غموضی در متعلق دانش، راه نداشته و نسبت به آن، آگاهی و اشرافیت کامل اعم از کلیات و جزئیات، مفهوم و منطوق، وجود دارد.

ب) علم اجمالی: حقیقت علم، چیزی به جز انکشاف کامل نیست، و هرگز اجمال و ابهام و یا شک و تردید در آن راه ندارد، اما گاهی متعلق علم، مجمل و مردد میان دو حکم و یا دو موضوع می باشد که این تردید در متعلق، به قطع علم ضرر نمی زند.<sup>۱</sup>

« ظن؛ فخرالدین طریحی برای آن چهار معنا ذکر نموده که عبارتند از: دو معنای متضاد (یک) (شک دو) یقین. و دو معنای غیر متضاد (یک) کذب مانند [سوره بقره / آیه ۷۸] (دو) تهمت<sup>۲</sup>»

و هم چنین در کتاب مقایس اللغه<sup>۳</sup> نیز علاوه بر معنای یقین، به معنای شک نیز آمده است. مانند این که گفته می شود: ظننت الشیء: هرگاه یقین نداشته باشد به چیزی. و آن، حالتی است، نفسانی میان قطع و شک یعنی از شک بالاتر است و از یقین فروتر.

در مورد حجیت و عدم حجیت ظن گفته شده که ظن ذاتاً حجت نیست بلکه بالعرض و به سبب جعل شارع حجت شناخته می شود<sup>۴</sup> از این جا دانسته می شود، ظن مورد تأیید شارع ظن معتبر می باشد، که نقطه مقابل آن ظن غیر معتبر می باشد.

۱- انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، ج ۱، ص ۱۹-۱۸

۲- طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۹۶

۳- الظن: يدل على معنيين مختلفين: يقين و شك. فاما اليقين: فقول القائل ظننت ظنا ای ايقنت قال الله تعالى: قال الذين يظنون انهم ملاقوا الله. و الصل الاخر: الشك: يقال ظننت الشیء اذالم تتقينه و من ذلك الظن: التهمة / ابن فارس، ابوالحسين، مقایس اللغه، ج ۲، ص ۴۶۲-۴۶۳

۴- محد رضا، مظفر، اصول فقه، ج ۲، ص ۲۲



شك : الارتباب ، و هو خلاف اليقين ( شك به معنای ريبه و مقابل يقين است <sup>۱</sup> و شك در اصطلاح اصول :

« طبق تعريف شيخ انصاری ؛ به حكم شرعی یا موضوع حكم شرعی که بر مکلف مخفی و مجهول بوده و راهی برای دانستن آن نباشد و هیچ اماره معتبر شرعی بر آن اقامه نشده باشد ، شك گفته می شود. که در این صورت مجرای یکی از اصول عملیه می باشد. <sup>۲</sup> » بنابر این تعريف به نظر می آید ، ایشان ، جهل و شك را مترادف با هم دانسته اند. شبهه در لغت به معنی شك ، بدگمانی ، <sup>۳</sup> التباس و اشتباه درست به نادرست ، حق به ناحق و واقع به موهوم <sup>۴</sup> و تصور خلاف واقع داشتن از امری اعم از موضوعی یا حکمی آمده است. <sup>۵</sup> و در اصطلاح اصول عبارت است از آن چیزی که در حکمش تحیر وجود دارد و بیانی از طرف شارع نه به صورت عام و نه به صورت خاص وارد نشده است. <sup>۶</sup>

وهم : در لغت به معنی گمان کردن ، خیال کردن و مشکوک شدن آمده. توهم الشیء :

( تخلیه و تمثله کان فی الوجود أولم یکن ) « یعنی به واسطه توهم ، چیزهای قابل رویت و غیر قابل رویت و امور است و دروغ به تصور انسان در می آیند » <sup>۷</sup> « وهم » ، در دست یابی به

<sup>۱</sup> - طریحی ، فخرالدین ، بن محمد ، مجمع البحرین ، ج ۲ ، ص ۵۳۶

<sup>۲</sup> - انصاری ، مرتضی ، فرائد الاصول ، ج ۱ ، ص ۳۰

<sup>۳</sup> - محقق داماد ، مصطفی ، ج ۴ ، ص ۵۱

<sup>۴</sup> - محمد جعفر ، جعفری لنگرودی ، ترمینولوژی حقوق ، ص ۳۷۴

<sup>۵</sup> - گلدوزیان ، ایرج ، محشای قانون مجازات اسلامی ، ص ۸۶

<sup>۶</sup> - المراد من الشبهه ما يتحیر فی حکمه و لایبان للشارع لاعموماً و لخصوصاً بالنسبة الیه دون مطلق ما فیہ الاحتمال /

انصاری ، مرتضی ، ج ۱ ، ص ۴۱۴

<sup>۷</sup> - ابن فارس ، ابوالحسین ، معجم اللغة ، ج ۳ ، ص ۹۳۹



حکم شارع جایگاهی ندارد و از نظر حکم ، مانند شک است و در موردش به اصولی که در موارد مشکوک عمل می شود ، استناد می گردد.

با ارائه تعریفی مختصر از این مفاهیم چنین نتیجه گرفته می شود که شبهه ، ظن نا معتبر ، و وهم از مصادیق جهل می باشند و رابطه منطقی میان آن ها عموم و خصوص مطلق است. بنابراین استعمال جهل و شبهه در معنایی مترادف هرچند از نظر لغوی و مفهومی متفاوتند ، بلامانع است ؛ چرا که در هر کدام از آن ها واقعیت ها از شخص پنهان مانده و مجهول می باشد.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - نورلها ، رضا ، زمینه حقوق جزای عمومی ، ص ۳۵۸



## فصل دوم

### تحلیل حقوقی جهل در قانون

#### گفتار اول - تاریخچه جهل و اشتباه در حقوق روم

قبل از این که اشاره مختصری به سابقه تاریخی جهل و اشتباه در حقوق روم داشته باشیم ، ذکر این نکته لازم است که در جریان حاکمیت قصد ظاهری و یا باطنی ، آثار جهل و اشتباه چهره متفاوتی پیدا می کند ، یعنی اگر حاکمیت با اراده ظاهری باشد به این معنا است که به مجرد اعلام اراده ظاهری با تشریفات خاص عقد الزام آور باشد و همین ظاهر بسته شدن عقد با تشریفات مختصری بیش از نیت و قصد درونی اهمیت یابد ، تأثیر جهل و اشتباه و به طور کلی تأثیر عیوب اراده بر اعمال حقوقی بسیار محدود خواهد شد.

اما اگر در نظام حقوقی قصد باطنی حکومت کند ، به دلیل گستردگی تحلیل های روانی و ملاک قرار گرفتن معیارهای شخصی ، دامنه عیوب اراده در زمینه جهل و اشتباه و اکراه و حتی تدلیس و غبن بسیار گسترده خواهد بود. با تأمل در این مقدمه ، پیشینه تاریخی حقوق روم نشان می دهد که آداب و احکام اجرای قرار دادها به شکل امروزی نبوده است ، بلکه به دلیل محدود بودن تعداد معاملات ، به ظاهر و تشریفات آن ها اهمیت فوق العاده ای قایل بودند ،



یعنی به اراده ظاهری متعاملین توجه می شد و بر اراده باطنی افراد اثری مترتب نمی کرد.<sup>۱</sup> بر همین اساس، اشتباه در معاملات چندان جدی گرفته نمی شد.<sup>۲</sup> تا زمانی که اشخاص قواعد شکلی معاملات را رعایت می کردند ملزم به انجام تعهدات خود بودند و ادعای یکی از عناصر جهل و اشتباه یا تدلیس مورد قبول واقع نمی شد.<sup>۳</sup> در حقوق روم هم اساس معاملات را رضا نمی دانستند، بلکه ملاک، اجرای تشریفات ظاهری معاملات بود.<sup>۴</sup>

در حالی که نهاد حقوقی جهل و اشتباه عمده مبتنی بر اصل رضایی بودن معاملات است نه بینش شکلی و تشریفاتی. از این رو در حقوق اولیه روم مسئله اشتباه جایگاهی نداشته است.

در قرن دوم بعد از میلاد با توجه به باطن متعاقدين و حسن نیت در آن ها، اشتباه به صورت محدود مورد پذیرش قرار گرفت، ولی اشتباه هایی که از روی بی مباداتی و تسامح خود شخص پدید می آمد مانند اشتباه حقوقی و جهل به قانون، مورد پذیرش قرار نمی گرفت.<sup>۵</sup>

در ادامه با آغاز امپراطوری بزرگ ژستین<sup>۶</sup> عقود رضایی و حاکمیت اراده باطنی به شکل جدی مطرح شد و تا حدودی مورد قبول قرار گرفت و نظریه اشتباه هم مطرح گردید.

حقوق دانان در همین دوره یعنی اواسط قرون وسطا مواردی برای اشتباه، مانند اشتباه در موضوع معامله، ماهیت عقد و ... در نظر گرفتند.

<sup>۱</sup> - موسوی، سید محمد صادق، مبانی نظری جهل و اشتباه و آثار آن بر اعمال حقوقی، ص ۱۰۴

<sup>۲</sup> - بحر العلوم، محمد، عیوب الارادة فی الشریعة الاسلامیه، ص ۶۵۲

<sup>۳</sup> - حراج، شفیق، دراسة فی تطور الحقوق، ص ۳۴۷

<sup>۴</sup> - لم يعتبر اهل الروم اساس المعاملات الرضا بل الملاك عندهم كان الشكليات الظاهرية / برازی، محمد حسن،

محاضرات فی القانون الرومانيه، ج ۲، ص ۲۹۰

<sup>۵</sup> - Eduwin comcheage . midtake in contract

<sup>۶</sup> - justinian



در آغاز امپراطوری بزرگ ، ضمانت عیوب ، در قرارداد بیع درج می شد ، ولی در زمان امپراطوری کوچک به تمام کالاها توسعه پیدا کرد و این روند به تدریج باعث روی آوردن به تضمین سلامت اراده بود.

نکته قابل توجه در این مرحله ، تأثیرات عمیق مباحث فلسفی یونان در بخشی از مباحث مطرح در مسئله تأثیر جهل و اشتباه در موضوع معامله و ماهیت عقد و هویت مورد معامله بود.

از این بررسی مختصر تاریخی حقوق روم استفاده می شود که مسئله تأثیر جهل و اشتباه بر اراده مراحل مختلفی را طی کرده است که آغاز آن با پرداختن به بینش شکلی و تشریفاتی سپری شد تا به مرحله بطلان برخی معاملات به واسطه جهل و اشتباه پرداختند و در عین حال از مجموع این دوره ها بر می آید که این ها سه نوع جهل و اشتباه را موجب بطلان عقد می دانستند.

یک ( اشتباه در نوع عقد :<sup>۱</sup> مثل این که کسی به دیگری پول قرض می دهد و او به گمان هبه آن را بپذیرد و یا اگر شخصی مالی را به ودیعه نزد دیگری بگذارد و کسی که مال نزد او قرار می گیرد ، گمان می کند که مال تبرعاً به او داده شده است.

در حقوق روم این نحو اشتباه موجب بطلان عقد شناخته می شد.<sup>۲</sup>

دو ( اشتباه در موضوع عقد :<sup>۱</sup> اشتباه و جهل نسبت به موضوع عقد به معنای هویت موضوع یا معنای وسیع آن به این شکل که اشتباه در ترکیب مادی و جنس کالایی که مورد معامله قرار گرفته باشد ، موجب بطلان معامله است.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - Error in nego cio

<sup>۲</sup> - صفایی ، سید حسین ، حقوق مدنی و حقوق تطبیقی ، ص ۳۰۵



سه) اشتباه در شخص طرف: <sup>۳</sup> مراد از آن عبارت از این است که کسی به اشتباه با شخص معامله کند که مورد نظر او نبوده است، خواه این شخصیت، علت عمده عقد یا در زمره جهات فرعی باشد. <sup>۴</sup>

### گفتار دوم - تاریخچه حقوقی جهل و اشتباه در حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه هم، حقوق دانان اصول مربوط به جهل و اشتباه در حقوق روم را دنبال کرده و به نقض و ابرام آن پرداختند و در این میان «پوتیه» نقش عمده ای را ایفا کرد، به این شکل که سابقه تاریخی فرانسه از حقوق روم شروع شده و به ویژه از قرن دوازدهم به بعد که به ارزش اعمال و تعهدات انسان و نیز به جهت و سبب معامله توجه جدی مبذول شد، همین توجه باعث جایگزینی سبب و جهت به جای جنبه های شکلی معاملات می شد. با دوری گزیدن از فرمالیسم به تدریج اشتباه به عنوان عیب اراده مطرح شد، ولی جبران خسارت بر اساس غبن یا تدلیس بود. اصل رضایی بودن معاملات، در نتیجه طرح مسائل عمده و اساسی نظریه جهل و اشتباه، از قرن هفدهم و هجدهم مطرح گردید و در این برهه از تاریخ در تکامل تئوریهای مربوط به اشتباه، حقوق دانان فرانسوی از جمله پوتیه نقش اصلی را ایفا نمودند. وی که جهل و اشتباه را بزرگ ترین عیب قرارداد می دانست، اشتباه در جواهر اشیاء را از حقوق روم اخذ نموده، ولی آن را توسعه داد و حتی اشتباه در اوصاف را موجب بطلان دانست به عبارت دیگر پوتیه هنگام توجه اشتباه در ذات موضوع معامله، از نظر رومیان قدیم دور شده و اعلام داشت که اشتباه در صورتی مربوط به خود معامله است که راجع به وصفی در موضوع

<sup>۱</sup> - Error in corpore

<sup>۲</sup> - الحفاوی، عبدالمجید، نظریه الغلط فی القانون الرومانيه، صص ۱۲۶ - ۲۳۳

<sup>۳</sup> - Error in personal

<sup>۴</sup> - همان